


## تبیین‌های اجتماعی - فرهنگی جمعیت در اندیشه علامه مصباح یزدی\*

اسماعیل چراغی کوتیانی / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

esmaeel.cheraghi@gmail.com  orcid.org/0009-0007-1869-074X

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

### چکیده

«جمعیت» موضوعی چندبعدی است که به‌مثابه مسئله‌ای راهبردی و عاملی مهم در پایایی و پویایی جوامع، مدنظر اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است. در این زمینه علامه مصباح یزدی، فلیسوف اجتماعی برجسته، به ارائه تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی درخصوص جمعیت پرداخته است. پرسش کانونی این نوشتار از تبیین‌های اجتماعی و فرهنگی علامه مصباح یزدی درباره جمعیت است. روش گردآوری داده‌ها «اسنادی و کتابخانه‌ای» بوده و پردازش داده‌ها به صورت توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. یافته‌ها بیانگر آن است که علامه مصباح یزدی اسلام را طرفدار افزایش جمعیت می‌داند، اما حکم آن را متأثر از شرایط اجتماعی معرفی می‌کند. از نظر ایشان، جمعیت موضوعی چندبعدی است که برای حل مسائل آن باید کارشناسان علوم گوناگون با یکدیگر همگرایی داشته باشند. ایشان عمده‌ترین عوامل شکل‌گیری چالش جمعیت را دو چیز می‌داند: نخست توطئه دشمنان؛ و دوم گسترش فرهنگ راحت‌طلبی. از نظر ایشان روحانیت برای جبران کاستی‌های گذشته دو وظیفه عمده دارد: انجام فعالیت‌های فرهنگی و علمی؛ و معرفی نتایج تحقیقات به عموم مردم. وی گره اصلی چالش جمعیت را «فرهنگ» و «ضعف دینداری» دانسته است که برای حل آن باید دین و آموزه‌های دینی تقویت شوند.

**کلیدواژه‌ها:** تبیین، تبیین جمعیت‌شناختی، تبیین اجتماعی فرهنگی، فرهنگ، علامه مصباح یزدی.

موضوع «جمعیت» از دیرباز در رشته‌های گوناگون علمی از سوی اندیشمندان بسیاری مدنظر قرار گرفته است. علت این امر را باید در ویژگی‌های خاص این موضوع جست‌وجو کرد. جمعیت از یک سو موضوعی چندوجهی و دارای ابعادی پرشمار و متنوع است. از این رو هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن منوط به پردازش همه جوانب و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی آن است؛ زیرا دگرگونی‌های جمعیتی علاوه بر اینکه از عوامل جمعیتی ناشی می‌شوند، از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بسیاری نیز تأثیر می‌پذیرند؛ چنان که بر ساخت‌های گوناگون زندگی اجتماعی، از اقتصاد گرفته تا سیاست و امنیت و فرهنگ و تربیت و اخلاق و همه مناسبات اجتماعی تأثیر گذارند.

از سوی دیگر، امروزه کمیت و کیفیت جمعیت به‌مثابه مسئله‌ای راهبردی و عاملی مهم در پایایی و پویایی جامعه، مطمح‌نظر اندیشمندان و سیاستگذاران اجتماعی و سیاسی در بسیاری از کشورها قرار گرفته است. این ویژگی‌ها موجب شده است تا حوزه‌های دانشی گوناگون، از دانش‌های تبیینی (همچون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و جمعیت‌شناسی) گرفته تا علوم هنجاری (همچون فلسفه و اخلاق و فقه) به این موضوع توجه نشان دهند و از منظرهای گوناگون به تحلیل آن بپردازند.

در این میان، اندیشمندان و فیلسوفان اجتماعی مسلمان بسیاری نیز در دوره‌های گوناگون تاریخی و با انگیزه‌های متفاوت، به این موضوع علاقه نشان داده و به بحث درباره آن پرداخته‌اند. علامه مصباح یزدی یکی از فیلسوفان و اندیشمندان اجتماعی برجسته‌ای است که به این موضوع توجه کرده و به تحلیل آن پرداخته است. هرچند توجه ایشان به این موضوع به صورت مستقل و ویژه نبوده و ایشان اثری خاص در این باره ندارد، اما از خلال مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و دیدارهایی که گروه‌ها و اقشار گوناگون جامعه با ایشان داشته‌اند، می‌توان به طرح‌واره‌ای از اندیشه‌های جمعیت‌شناختی ایشان دست یافت.

از این رو پرسش اصلی این نوشتار از تبیین‌های اجتماعی - فرهنگی اندیشه علامه محمدتقی مصباح یزدی است. روش تحقیق در این پژوهش در مرحله گردآوری داده‌ها و اطلاعات، روش «اسنادی و کتابخانه‌ای» است. در مرحله پردازش نیز از روش «تحلیلی و توصیفی» استفاده شده است.

## ۱. پیشینه بحث

تاکنون هیچ اثری از استاد مصباح یزدی به بررسی این موضوع نپرداخته است. آنچه در این خصوص در اسناد موجود است چند سخنرانی از ایشان است که در مناسبت‌های گوناگون با اقشار اجتماعی بیان شده است. پژوهشگر کوشیده است تا از خلال این اسناد اندک، به طرح‌واره‌ای از تبیین‌های جمعیت‌شناختی این فیلسوف فرزانه دست یابد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. «تبیین»

یکی از روش‌های مهم تحلیل و بررسی مسائل علمی به کارگیری روش «تبیین» (Explanation) است. تبیین‌ها نوعی پاسخ به پرسش از چرایی‌ها و چگونگی‌هاست. امروزه در جامعه‌شناسی تلاش می‌شود تا پیوندها و روابط الگودار بین پدیده‌ها و نیز چگونگی اثرگذاری آنها بر یکدیگر توضیح داده شوند (میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۹). منطقی تبیین بر این اصل استوار است که برای فهم پدیده یا نظامی خاص باید معلوم کنیم که آنها چگونه از نظم‌های عمیق‌تری در طبیعت ناشی می‌شوند (لیتل، ۱۳۸۱، ص ۷۶).

تبیین‌ها از یک دیدگاه کلی به دو گونه «تجربی» (استقرایی) و «نظری» (قیاسی) تقسیم می‌شوند. تبیین استقرایی یک رخداد به آن است که تحت نظامی تجربی که قبلاً به تأیید رسیده است، درآورده شود. اما تبیین قیاسی آن است که توصیف حادثه را از فرضیه‌های نظری درآوریم که بیانگر فرایندهای منتهی شونده به آن رخدادند. این دسته از تبیین‌ها بیانگر فرضیه‌هایی درخصوص سازوکارها یا ساختارهای زیرین برای رخدادها هستند (همان، ص ۱۱).

با توجه به این تقسیم‌بندی از تبیین، تبیین‌های جمعیت‌شناختی علامه مصباح یزدی از سنخ دوم هستند؛ بدین معنا که ایشان کوشیده است تا بر پایه آموزه‌های بنیادین دین، به تبیین رویکرد اسلام به موضوع جمعیت بپردازد.

### ۲-۲. «تبیین جمعیت‌شناختی»

در بررسی‌های جمعیت‌شناختی، ابتدایی‌ترین شکل تبیین، تبیین «جمعیت‌شناختی» (دموگرافیک) است. در این تبیین یک پدیده جمعیتی توسط پدیده‌های دیگر جمعیتی توضیح داده می‌شود؛ مثلاً تغییرات در حجم جمعیت جهان با کمک پدیده‌های جمعیتی باروری، مرگ و میر و مهاجرت تبیین می‌شود. این نوع تبیین‌ها با وجود دقت فراوانشان، محدودند (سرای، ۱۳۶۸)؛ زیرا صرفاً به پدیده‌های جمعیت‌شناختی توجه نشان داده و از تحلیل‌ها پدیده‌های دیگر پرهیز می‌کنند.

### ۲-۳. «تبیین اجتماعی - فرهنگی جمعیت»

یک بررسی دامن‌گستر تحلیلی است که بتواند شرایط و بسترهایی را نیز که پدیده‌های جمعیتی در آن واقع می‌شوند توضیح دهد. برای این کار، لازم است جمعیت‌شناس پا را از حوزه دانش خود فراتر نهاده، از مفاهیم و داده‌های دانش‌های دیگر، به‌ویژه علوم اجتماعی، برای تبیین کامل‌تر استفاده کند؛ زیرا تبیین‌های ارزنده‌تر و مهم‌تر پدیده‌های جمعیتی - با وجود دقت کمتر - تبیین‌های غیرمردم‌شناختی (مثل تبیین اجتماعی) هستند. این‌گونه تبیین‌ها امروزه در قالب «جمعیت‌شناسی اجتماعی» (social demography) یا «جمعیت‌پژوهی» (the study of population) به کار گرفته می‌شوند.

«جمعیت پژوهی» یک حوزه میان‌رشته‌ای است که اضافه بر مطالعات جمعیت‌شناسی، شامل توصیف و تبیین مردم‌شناختی و غیرمردم‌شناختی پدیده‌های جمعیتی، مطالعه عوارض و پیامدهای غیرمردم‌شناختی پدیده‌های جمعیتی هم می‌شود (سرای، ۱۳۶۸).

به هر حال تبیین و تحلیل اجتماعی و فرهنگی به بررسی فرهنگ و باورهای جمعیتی مردم در زمینه‌های فرزندآوری، باروری، خانواده، زناشویی و مانند آن می‌پردازد؛ اینکه جمعیت تحت تأثیر کدام عوامل اجتماعی و فرهنگی افزایش یا کاهش می‌یابد. بنابراین در تحلیل اجتماعی - فرهنگی جمعیت، پژوهشگر قرار است علت‌های گوناگون افزایش یا کاهش جمعیت را موشکافانه بررسی کند. بدین‌روی لازم است به جنبه‌های گوناگون این چگونگی‌ها نظر شود. نوع تربیت در خانواده و تأثیرهای فرهنگی، آداب و رسوم، باورهای دینی، فرهنگ قومی، فرهنگ روستایی، فرهنگ بومی و عناصر دیگری که در این چگونگی دخالت دارند بحث‌های تحلیل اجتماعی جمعیت را تشکیل می‌دهند (آشفته تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷).

گفتنی است تبیین‌هایی که علامه مصباح یزدی از موضوعات جمعیتی ارائه می‌دهد از نوع تبیین‌های اجتماعی - فرهنگی است.

### ۳. تبیین‌های اجتماعی - فرهنگی جمعیت در اندیشه علامه مصباح یزدی

#### ۳-۱. رویکرد اسلام به افزایش جمعیت

یکی از پرسش‌هایی که درباره موضوع جمعیت مطرح می‌شود سؤال از رویکرد اسلام به تکثیر نسل است. در پاسخ به این پرسش غالب اندیشمندان مسلمان اتفاق نظر دارند که اسلام موافق اصل افزایش جمعیت است، هرچند در موضوع دوام و کلیت این حکم بین اندیشمندان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

علامه مصباح یزدی ضمن اشاره به این موضوع که در بحث‌های فقهی ناظر به جمعیت‌شناسی، اصل مطلوب بودن تکثیر نسل در اسلام پذیرفته شده و در بین اندیشمندان مسلمان غیرقابل تردید است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲)، به واکوی شیوه‌های ممکن برای اثبات آن اصل می‌پردازد. از نظر ایشان اندیشمندان مسلمان می‌توانند از دو طریق برای اثبات مسئله استدلال کنند:

#### ۳-۱-۱. کاربست روش فقهی

از نظر علامه مصباح یزدی، در این روش با استفاده از آیات و روایات می‌توان به پرسش از مطلوبیت تکثیر نفوس پاسخ داد؛ زیرا در برخی روایات به چرایی این موضوع اشاره شده است. برای نمونه، در روایت آمده است: «زیاد فرزند آورد تا فردا روز (در قیامت) به زیادی شما بر امت‌های دیگر افتخار کنم» (کلینی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸).

از نظر ایشان هرچند «ما مفهوم دقیق این روایت را متوجه نمی‌شویم که منظور پیامبر از اینکه من به خاطر کثرت اولاد شما در روز قیامت بر امت‌های دیگر مباحات خواهم کرد، چیست... ولی - به هر حال - در روایت به این مسئله اشاره شده است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲) و چون سنت در کنار قرآن، یکی از منابع کشف احکام دینی است، مقبول واقع می‌شود.

همچنین در برخی روایات علل دیگری برای مطلوبیت فرزندآوری بیان شده است؛ مثلاً به مسلمانان سفارش شده است با زنی که ولود باشد (زیاد فرزند می‌آورد) ازدواج کنید تا حاصل آن فرزندان شود که زمین را با تسبیح خدا سنگین می‌کنند (کلینی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸).

علامه مصباح یزدی در جمع‌بندی این روش می‌فرماید: همه ما - به هر حال - با دیدن روایات، این مسئله را قبول می‌کنیم «و همه ما هم می‌دانیم که درست است. اگر دلیلی هم به ذهنمان نرسید، همین که روایت است و پیغمبر و امام فرموده‌اند، برای ما کفایت می‌کند؛ زیرا حتماً مصلحت و حکمتی در آن نهفته است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). به هر روی، از منظر ایشان در این روش با ساخت و تکیه بر اصل اصولی «حجیت کلام معصوم» و کاربست آن در احکام فقهی و آموزه‌های دینی، می‌توان به مطلوبیت تکثیر نسل از منظر اسلام پی برد.

## ۲-۱-۳. کاربست قواعد کلامی

علامه مصباح یزدی در تحلیل این روش معتقد است: همان‌گونه که در روش نخست از قواعد اصول فقه برای استدلال بر مطلوبیت فرزندآوری استفاده می‌شود، در اینجا نیز باید از اصول موضوعه کلامی استفاده گردد (همان). یکی از اصول موضوعه کلامی که از نظر ایشان کاربرد مهمی در موضوع جمعیت و فرزندآوری دارد اصل «افاضه وجود و فیاضیت مطلق الهی» است. این اصل قاعده‌ای کلامی، مبتنی بر یک قاعده فلسفی است.

از نظر ایشان، از قواعد کلامی استفاده می‌شود که هدف الهی از آفرینش انسان این است که از موجودات پستی مانند خاک، گیاه و اسپرم‌ها موجودی پدید آورد که شعور، فهم، اراده و عشق به خدا داشته باشد. خداوند هزاران اسپرم را در قطره‌ای بی‌ارزش قرار داده است تا از طریق آن، انسانی بیافریند که شخصیتی بزرگ (از نظر علمی، اخلاقی، سیاسی) و مُصلح جامعه باشد. از نظر ایشان، اقتضای حکمت الهی آن است که از قطره آبی پست، چنین موجوداتی شریف بیافریند (همان).

پس از طرح این اصل و تحلیل آن درخصوص فرزندآوری، ایشان در مقام نتیجه‌گیری برآمده، سؤال می‌کنند که بنا بر این اصل، آیا در مطلوب بودن فرایند فرزندآوری - به‌ویژه اگر احتمال تولد انسان تکامل‌یافته، دیندار و خدانشناس وجود داشته باشد - جای شکی وجود دارد؟! آیا اگر خاک پستی به چنین کمالی برسد که گوینده «لا اله الا الله» و خدانشناس باشد، آیا می‌توان درباره مطلوبیتش شک کرد؟ (همان)

برای اثبات مطلوب بودن فرزندآوری و افزایش جمعیت از منظر اسلام، ایشان با رویکردی نوآورانه تلاش می‌کند تا دو اصل موضوع در اصول فقه و کلام را با هم گره زده، به این نتیجه دست یابد. از نظر ایشان، اگر اصل «افاضه وجود و فیاضیت مطلق الهی» را - که اصلی کلامی است - با قاعده اصولی که می‌گوید: «اگر بنده به خواست و غرض مولایش علم پیدا کند - هر چند نصی هم به او نرسیده باشد - باید غرض مولا را تحقق ببخشد» ضمیمه کنیم، می‌تواند دلیل محکمی بر مطلوب بودن افزایش جمعیت باشد؛ زیرا در موضوع افزایش جمعیت هم «اگر کسی بداند غرض خداوند چیست، حق ندارد آن را پشت گوش بیندازد و بگوید که به من چه؟! وقتی فرد می‌داند که خداوند چه می‌خواهد... آیا وجوب عمل جای تردید است...؟ ما اگر بدانیم خداوند چیزی را دوست دارد و حکمت و غرض آفرینش او این اقتضا را دارد، نباید در مطلوبیتش شک کنیم» (همان).

از نظر ایشان، نه تنها اصل «فرزندآوری» امر مطلوبی است، بلکه کثرت زادآوری نیز بر پایه قواعد اصولی و کلامی پیش گفته، امری پسندیده و مطلوب اسلام است.

باید زمینه‌ای فراهم شود که افراد انسان کثرت پیدا کنند؛ چون اگر مطلوب این است که بیشترین تعداد افراد به کمال برسند، باید کمیت بیشتری داشته باشند. هر چه بیشتر باشند، مصادیق فیض الهی بیشتر می‌شود. پس شرایط باید طوری باشد که مانعی برای ازدیاد جمعیت و کثرت افراد در طول تاریخ ایجاد نشود (مصباح یزدی، ۱۳۹۶).

البته ایشان ناپسند بودن منع از افزایش جمعیت را حکمی ابدی و غیرقابل تغییر ندانسته و بر این باور است که اگر «این کثرت به جایی برسد که به اصل هدف لطمه بخورد، در اینجا است که باید کنترل شود؛ چون درست است که هدف این است که کثرت پیدا شود، اما کثرت در قالب خاص باید پیدا شود» (همان).  
در حقیقت از منظر ایشان هدف اساسی رسیدن انسان‌های بیشتر به کمال است؛ اما اگر افزایش جمعیت به این هدف اساسی لطمه وارد کند، به صورت موقت مطلوبیت خود را از دست خواهد داد. (این موضوع در بخش بعد با تفصیل بیشتری توضیح داده می‌شود).

## ۲-۳. تأثیر شرایط اجتماعی - سیاسی در حکم جمعیت

تا اینجا ثابت شد که از منظر علامه مصباح یزدی اسلام زادآوری زیاد ارزشمند دانسته، به آن تشویق می‌کند. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا وجود شرایط و موقعیت‌های خاص و مصالح عمومی نمی‌تواند ارزشمندی زادآوری را تخصیص زند، یا برای مدتی متوقف سازد؟ به هر روی، اسلام به‌مثابه دینی جامع و واقع‌گرا، نمی‌تواند از بروز برخی شرایط - که ممکن است حکمی را تغییر دهد - غفلت کند. ظهور عناوین ثانویه، بروز ضرر و حرج، تراحم و مانند آن بخشی از راهکارهای اسلام برای برون‌رفت از مسئله‌آفرینی برخی از احکام در شرایط خاص است. بر این پایه، توجه به برخی تنگناها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی در زادآوری با دیدگاه اسلام ناسازگار نیست و تشویق به تکثیر نفوس به معنای غفلت از شرایط و موقعیت‌های ویژه که مهار زادآوری را طلب می‌کند، نیست؛ مثلاً اگر

فرونی جمعیت سبب ایجاد امراض یا ناسامانی زندگی والدین یا فرزندان و یا موجب ناسامانی اجتماع شود، رجحان خود را تا وقتی که این وضعیت ادامه دارد، از دست می‌دهد (خرازی، ۱۳۷۹).

علامه مصباح یزدی، به‌عنوان اندیشمندی روشن‌اندیش، بر تأثیر شرایط اجتماعی در دگرگونی موضوعها و احکام اولیه پدیده‌ها - از جمله موضوع فرزندآوری و افزایش جمعیت - و ظهور احکام ثانویه تأکید می‌کند. ایشان این تأثیر را با طرح بحث «تزامم بین مطلوب‌ها» تحلیل می‌کند:

باید به این نکته توجه کنیم که عالم طبیعت، عالم التزامم‌هاست؛ یعنی گاهی مطلوبی با مطلوبی دیگر در عمل، التزامم پیدا می‌کند. در این شرایط، عناوین ثانویه پیدا می‌شود؛ یعنی گاهی چیزی که ابتدا حلال است، حرام می‌شود و یا حرام است، ولی واجب می‌شود. این به دلیل التزامم‌هایی است که در عالم طبیعت رخ می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲).

این بیان تأکیدی است بر اینکه موضوع «افزایش جمعیت» هر چند مطلوب و مورد پسند دین است، اما این بدان معنا نیست که افزایش جمعیت حکم ثابت و غیرقابل تغییری داشته باشد، بلکه با تحول شرایط زندگی بشر و بروز التزامم بین پدیده‌هایی که مطلوب و به مصلحت انسان است، امکان دگرگونی در حکم آن وجود دارد.

### ۳-۳. چندبعدی بودن مسئله جمعیت

مسئله جمعیت امری چندبعدی است که هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن منوط به توجه همه جوانب و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی آن است؛ زیرا همان‌گونه که پیش از این گفته شد، رصد زوایای گوناگون یک موضوع ممکن است سبب شود امری که در دوره‌ای مفید تلقی می‌شد، در زمانی دیگر به زیان جامعه تشخیص داده شود و بازنگری در آن ضرورت پیدا کند. به دیگر سخن، نمی‌توان یک وضعیت جمعیتی ثابت و مفروض را مطلوب در نظر گرفت؛ زیرا دگرگونی‌های جمعیتی علاوه بر اینکه ریشه در عوامل جمعیتی دارند، از بسیاری عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی نیز تأثیر می‌پذیرند (مشفق و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

علامه مصباح یزدی در تبیین جمعیت‌شناختی خود از موضوع «افزایش جمعیت» بر این نکته مهم تأکید می‌کنند که به مسئله «افزایش جمعیت» نباید از منظری خاص و تک‌بعدی نگریست؛ زیرا موضوع ذوابعدی است و با چندین علم ارتباط دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲).

علت تأکید علامه مصباح یزدی بر چندبعدی بودن موضوع افزایش جمعیت آن است که ایشان بر این باور است که پیش‌درآمد حل مسئله و یافتن پاسخ بخشی از پرسش‌ها در این خصوص، به طرح درست موضوع و توجه به همه ابعاد آن بستگی دارد. از نظر ایشان:

این یک خدمت بزرگی است که آدم بداند وقتی در مسئله‌ای وارد می‌شود چند بُعد دارد و هر بُعدش به چه کسانی مربوط می‌شود؟ چند نوع فعالیت پژوهشی و تحقیقی باید انجام بگیرد تا حاصل جمعش جواب کلی و جامعی بشود برای مسئله طرح شده (همان).

ایشان با اذعان بر ارتباط مستقیم دانش «جمعیت‌شناسی» و نیز «جامعه‌شناسی» با موضوع «افزایش جمعیت»، بر این باور است که نباید از نقش دانش‌ها و موضوع‌های دیگر در تعامل با موضوع جمعیت غفلت کرد. برای نمونه، ایشان به رابطه برهم‌کنشانه اقتصاد و جمعیت اشاره کرده، بر این باور است که در یک نگاه جامع و چندبعدی درخصوص موضوع افزایش جمعیت، هم باید به عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر پیدایش، افزایش و کاهش جمعیت (تأثیری که جمعیت از وضع اقتصادی می‌پذیرد) پرداخت و هم به تأثیرات اقتصادی که بعداً بر آن مترتب می‌شود (تأثیراتی که جمعیت در اقتصاد کشور دارد) توجه کرد (همان). ایشان بر این نکته تأکید می‌کند که مسائل حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فقهی، هر کدام به نحوی در حل بعضی ابعاد این مسئله مؤثر است (همان). از این رو باید مورد توجه و دقت کافی قرار گیرند.

#### ۳-۴. آسیب‌شناسی وضعیت کنونی جمعیت

یکی از ابعاد مهمی که درخصوص جمعیت باید مد نظر جدی قرار گیرد، ارزیابی و آسیب‌شناسی وضعیت جمعیت کشور است؛ زیرا برای درمان هر دردی نخست باید با نگرشی آسیب‌شناسانه علت درد بررسی و شناخته شود. علامه مصباح یزدی با تکیه بر همین اصل، به آسیب‌شناسی وضعیت جمعیت در ایران پرداخته و ضمن اشاره به مطالبات مقام معظم رهبری درخصوص جمعیت و ابراز تأسف از عدم تحقق انتظارات بجای ایشان، بر این باور است که وقتی علی‌رغم تأکیدهای متعدد رهبر انقلاب بر مسئله جمعیت، پاسخ شایسته‌ای به انتظار ایشان داده نشده، نشانه آن است که آسیب‌هایی در اینجا وجود دارد که باید بررسی شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف).

ایشان در تحلیل موضوع کاهش باروری و عدم توفیق کشور در افزایش میزان باروری به دو آسیب مهم اشاره می‌کند:

#### ۱-۳-۴. توطئه دشمنان

جمعیت در طول تاریخ همیشه یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های قدرت به‌شمار می‌رفته و جایگاه بالایی در راهبرد دفاعی کشورها داشته است. تأثیر جمعیت در قدرت‌آفرینی به میزانی است که حتی با افزایش نقش پیشرفت‌های فناوری در تولید ثروت و قدرت کشورها، اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است. از این رو یکی از نقشه‌های نظام سلطه درخصوص تضعیف قدرت کشورهای مستقل و استکبارستیز، به‌ویژه ایران، تلاش برای کاهش جمعیت آنها بوده است. هانتینگتون با اذعان به این حقیقت، تمدن‌های اسلام و چین را بزرگ‌ترین تمدن‌های چالشگر برای ایالات متحده و تمدن غرب برمی‌شمارد و می‌نویسد:

در مورد چین، این پویایی اقتصادی این کشور است که نوعی اعتماد به نفس در مسائل جهانی به آن بخشیده و آن را به کشوری جسور تبدیل کرده است... اما موضوع بعدی به اسلام بازمی‌گردد؛ تمدنی که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست؛ چراکه این تمدن اساساً ریشه در نوعی



پویایی جمعیتی دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم و نیز این واقعیت که امروزه با افزایش ناگهانی جمعیت گسترده جوانان در اکثر کشورهای مسلمان روبه‌رویییم، این چالش را متفاوت از دیگر چالش‌ها ساخته است. امروزه بیش از بیست درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله به خود اختصاص داده است. بله، از همین روست که به عقیده مورخین و جامعه‌شناسان، رویدادهای پیش‌روی ما رویدادهایی مشکل‌آفرین خواهند بود (هاتینگتون، ۱۳۸۴).

علامه مصباح یزدی با نگرشی آسیب‌شناسانه، یکی از مهم‌ترین علل کاهش باروری و عدم توفیق کشور در افزایش آن را «توطئه‌های دشمنان اسلام و انقلاب و تشیع» دانسته که به صورت‌های گوناگون انجام گرفته است و سوگمندان باید گفت: نتایج مناسبی هم از کارهای خود گرفته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف). ایشان معتقد است: تبلیغات دشمنان خارجی و فعالیت‌های داخلی آنان در این زمینه طبیعی است؛ زیرا از دشمن انتظار نمی‌رود که در این زمینه به ما کمک کند. کار دشمن، دشمنی کردن است (همان).

از نظر ایشان، آنچه در این زمینه مهم است این است که «ما باید بررسی کنیم که چه کمبودهایی داشته‌ایم و چه فرصت‌هایی را برای آنها فراهم کرده‌ایم که بتوانند نقشه‌های خود را اجرایی کنند و یا - خدای ناکرده - گاهی به آنها کمک کرده باشیم» (همان). ایشان در تحلیل فرصت‌هایی که از طرف دوستان انقلاب اسلامی ناخواسته برای اجرایی شدن نقشه‌های دشمن، در اختیار آنان قرار گرفت، به سه عامل اشاره می‌کند:

### ۱-۴-۳. خطای برخی روحانیان و امامان جمعه

از نظر علامه مصباح یزدی یکی از عواملی که ناخواسته فرصت را برای اجرای نقشه‌های دشمنان ایجاد کرد، خطایی بود که از سوی برخی روحانیان و امامان جمعه رخ داد.

در دهه اول انقلاب، برخی از بزرگان و ائمه جمعه کشور در خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌های خود درباره محدود کردن جمعیت به‌طور رسمی سخنرانی می‌کردند و برای تبیین این مسئله از برخی از روایات که در این زمینه‌ها هست، استفاده می‌کردند (همان).

ایشان در تحلیل چرایی این خطا، به دو موضوع اساسی و مؤثر در این اشتباه ناخواسته اشاره می‌کند:

نخست اینکه روحانیان با مشاهده وضع نابسامان اقتصادی کشور، اولویت را در این می‌دیدند که خرابی‌ها و خسارت‌های ناشی از جنگ و بمباران‌ها جبران شود.

دیدگاه این افراد آن بود که یکی از راه‌ها این است که به‌طور موقت، جلوی رشد جمعیت گرفته شود تا هزینه جدیدی بر دوش دولت و نظام گذاشته نشود (همان).

از نظر علامه مصباح یزدی خطای برخی از روحانیان علت دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. ایشان در تحلیل علت دوم، به «القاءات اطرافیان و مشاوران روحانیت» اشاره می‌کند:

شاید بعضی از آنها هم در اثر القاءات برخی از اطرافیان و اشخاص مورد اعتماد و مشاوران اقتصادی بود که چنین اظهاراتی کردند که خواه‌ناخواه در عده‌ای اثر می‌گذاشت (همان).

ایشان ضمن اذعان به ضرورت جبران این خطا از سوی روحانیت، به دو نکته اساسی درخصوص کاهش لغزش فکری افراد شاخص جامعه در امور مهم اشاره می‌کند:

اول اینکه ما روحانیت باید «مواظبت کنیم در مسائل اینچینی با سرعت و قاطعانه اقدام نکنیم که چنین خسارت‌هایی را به همراه داشته باشد» (همان).

دوم اینکه «این درسی برای امامان جمعه و شخصیت‌های معروف نظام است که در بیان اظهارات خود، به‌ویژه در موضوعاتی که تخصص ندارند، بیشتر دقت کنند» (همان).

البته بی‌شک، واکنش روحانیت به مسئله جمعیت در آن دوره از سر دغدغه‌مندی و با هدف همراهی با سیاست‌های کلان نظامی اسلامی بود. از این رو علامه مصباح یزدی با اذعان به خیرخواهی روحانیت برای وضعیت کشور، خواستار دقت همگان در مسائلی مهمی همچون جمعیت و تلاش برای جبران کاستی‌هاست (همان).

### ۲-۱-۳. خطای دولتمردان

علامه مصباح یزدی خطای دیگری را که زمینه‌ساز اجرایی شدن نقشه‌های دشمن درخصوص کاهش باروری در ایران بود، اشتباه دولتمردان دانسته، در تحلیل چرایی این خطا به فقدان جامع‌نگری دولت‌ها در تدوین سیاست‌ها اشاره می‌کند:

به‌طور طبیعی اولین چیزی که برای دولت‌ها اولویت دارد رفع مشکلات اقتصادی کشور است، و آنچه به یک دولت یا نظام ضربه می‌زند همین است که وضع اقتصادی مردم خراب باشد. بر همین اساس، دولت همیشه پرهیز دارد از اینکه هزینه‌هایش زیاد شود، تا آنچه را که داراست صرف کارهایی کند که مردم را بیشتر خوشحال می‌کند (همان).

از این رو دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با مهار جمعیت و با نام فریبنده «تنظیم خانواده» مانع بازتولید جمعیت زایدی شوند که چیزی جز هزینه اضافی برای دولت به دنبال ندارد. اما به‌هرروی این سیاست تک بعدی نه تنها به سامان‌دهی اقتصاد کشور کمکی نمی‌کند، بلکه مشکلات بیشتری به دنبال خواهد داشت. از نظر علامه مصباح یزدی: اشتباه آنها این است که در کنار منافع اقتصادی، خطر رکود و بعد از آن سقوط جمعیت را به حساب نمی‌آورند؛ مسئله‌ای که در درازمدت به منافع اقتصادی آنها نیز ضرر خواهد زد (همان).

ایشان برای تأیید تحلیل خود، به وضعیت ژاپن اشاره می‌کند. این کشور هرچند به لحاظ اقتصادی پیشرفت‌هایی داشته، اما به سبب کاهش نرخ باروری و سالمندی جمعیت، با چالش‌های اساسی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی روبه‌روست.

امروزه یکی از مشکلات کشور ژاپن پیری جمعیت است که برای جبران عواقب آن درصدد هستند نیروی انسانی خود را از کشورهای دیگر تأمین کنند، در حالی که این نوع کشورها هم بر حسب عوامل ظاهری، هم از لحاظ علمی، هم از نظر تجربه سیاسی، و هم از منظر موقعیت بین‌المللی جلوتر از ما هستند؛ ولی به این مشکلات دچار شده‌اند (همان).

منظور علامه مصباح یزدی در بازگویی نمونه ژاپن این است که اگر دولتمردان تلاش کنند تا به بهانه پیشرفت اقتصادی، مانع بازتولید جمعیت شوند، در آینده‌ای نه‌چندان دور با چالش‌هایی روبه‌رو خواهیم بود که ژاپن امروز با آن مواجه است. این بدان معناست که امروز ژاپن در حوزه چالش جمعیتی و سالمندی جمعیت، می‌تواند فردای نزدیک جامعه ایرانی باشد.

### ۳-۱-۴-۳. عقب‌ماندگی‌های علمی

علامه مصباح یزدی در تحلیل عوامل فرصت‌ساز برای دشمن درخصوص اجرای نقش‌های جمعیتی خویش، بر کاستی‌های علمی جامعه ایران، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی مرتبط با جمعیت و نیز ترجمه‌گرایی تأکید می‌کند.

مسئله دیگری که از رخنه‌های جامعه ما بود و دشمنان توانستند از آن نفوذ و سوءاستفاده کنند، کمبودهای علمی است. ما در رشته‌های علوم انسانی و حتی برخی رشته‌های علوم تجربی (مانند پزشکی) هنوز در مراحل سطحی این علوم هستیم. به‌رغم پیشرفت‌هایی که در بعضی رشته‌ها (مانند فیزیک اتمی) داشته‌ایم، در اغلب رشته‌های دانشگاهی دچار عقب‌ماندگی هستیم و اساتید به ترجمه مقالات و کتاب‌های دیگران و درس‌هایی که غالباً از دانشگاه‌های خارجی آموخته‌اند و می‌پندارند وحی منزل است، بسنده می‌کنند و هنرشان این است که همین متون را در دانشگاه تدریس کنند (همان).

علت تأکید ایشان بر نقش کاستی علوم انسانی در ایران درخصوص جمعیت این است که وقتی در جامعه‌ای دانش به صورت بومی و با توجه به اقتضائات فکری و ساخت فرهنگی تولید نشود و نخبگان جامعه برای فهم و حل مسائل اجتماعی خود چشم به نظریه‌پردازی‌ها و الگوهای بیگانگان دوخته باشند، نه‌تنها مسائل اجتماعی حل‌شدنی نیست، بلکه بر پیچیدگی و چالش‌آفرینی مسائل افزوده خواهد. تبعیت بی‌چون و چرا از الگوهای جمعیت‌شناختی سازمان‌ها و نهادهای تحت تسلط نظام سلطه و بی‌توجهی به اقتضائات بافت فکری و فرهنگی جامعه ایرانی زمینه‌ساز کاهش باروری تا زیر حد جانشینی گردیده است.

### ۳-۲-۴-۳. فرهنگ راحت‌طلبی و فرار از مسئولیت

در جامعه‌شناسی، «فرهنگ» به شیوه‌ای از زندگی اطلاق می‌شود که اعضای یک جامعه آن را فرا می‌گیرند و به آن عمل می‌کنند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۴۷). این شیوه زندگی، متضمن باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که به زیست انسانی جهت می‌دهد. جهت‌دهی فرهنگ گاه تسهیل‌بخش زندگی است و گاه چالش‌برانگیز است.

علامه مصباح یزدی با توجه به همین موضوع، دومین عامل آسیب‌زای جمعیت را فرهنگ جهانی «راحت‌طلبی» و فرار از مسئولیت پرورش و تربیت فرزند می‌داند. از نظر ایشان، این عامل هرچند در ظاهر، عاملی

زمینه‌ساز به نظر می‌رسد تا عاملی فعال و تأثیرگذار، اما ضرر آن اگر بیش از عوامل دیگر نباشد، بی‌شک کمتر از آنها نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف).

از نظر ایشان عامل تأثیرگذار بر بروز این عنصر فرهنگی چالش‌آفرین، «تجدد» (مدرنیته) غربی است. «تجدد» هر جای دنیای که وارد شده، فرهنگ «راحت‌طلبی» را با خود برای کشورها به همراه برده است، به گونه‌ای که امروزه کمتر کشوری را می‌توان یافت که از این عنصر فرهنگ غربی متأثر نشده باشد. کشورهای اسلامی نیز از این آسیب بی‌بهره نمانده‌اند. نمونه‌های آن را - به‌ویژه - در قشر تحصیل کرده و نیز بانوان به روشنی می‌توان دید. برای نمونه، ایشان به دو نمود تأثیرپذیری زنان از این عنصر فرهنگی اشاره می‌کند: اول اینکه این‌گونه زنان دیر ازدواج می‌کنند، و دوم اینکه بعد از ازدواج کردن دنبال راحتی هستند و به‌زودی بچه‌دار نمی‌شوند و حتی گاهی با نامزد خود شرط می‌کنند که تا چند سال نباید فرزندآوری داشته باشند (همان).

هرچند نقطه آغاز این سبک زندگی غلبه نظام معنایی «تجدد» بود، اما علامه مصباح یزدی معتقد است: بروز این شیوه زندگی را نمی‌توان صرفاً به توطئه خارجی و یا نقص در مدیریت داخلی نسبت داد، بلکه این یک عامل فرهنگی است. از این‌رو طبق نظر ایشان، در مبارزه با آن، نه مبارزه با آمریکا به درد این مشکل می‌خورد، نه عوض کردن دولت و کارهایی از این قبیل (مثل استیضاح وزیر). اینها مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا فرهنگ اکثریت جامعه راحت‌طلبی و فرار از مسئولیت در مقابل بچه‌داری است (همان).

آنچه از سخن علامه مصباح یزدی برداشت می‌شود این است که از نظر ایشان، چون راحت‌طلبی و فرار از مسئولیت فرزندآوری و فرزندپروری یک عنصر فرهنگی است، پس ناگزیر راه مواجهه و مبارزه با آن هم رویکردی فرهنگی می‌طلبد. پس باید عنصر فرهنگی را تغییر داد. بدون تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها و صرف نسبت دادن یک مشکل به دشمن، راه حل مسئله نیست.

### ۳-۵. نقش حوزه علمیه در راه جبران کاهش جمعیت

گفته شد که علامه مصباح یزدی در آسیب‌شناسی وضعیت جمعیت کشور، به نقش برخی روحانیان و دولت‌ها و ضعف علمی کشور اشاره کرد. از منظر ایشان، این لغزش‌ها به هر دلیلی و از سوی هر کسی که اتفاق افتاده باشد، امروز باید به فکر جبران و حل آسیب بود. از این‌رو این سؤال را مطرح می‌کند که با توجه به این آسیب‌ها چه باید کرد و نقش روحانیت در این فرایند چیست؟

ایشان پیش از پرداختن به تبیین نقش‌ها، به دو نکته اساسی در فرایند ایفای نقش در جبران کاهش فرزندآوری اشاره می‌کند:

نخست اینکه باید در خصوص مسئله جمعیت با تحلیلی دقیق و درست به این سؤال پاسخ داده شود که وزن این آسیب چقدر بوده و در آینده چه خطرهایی را می‌تواند برای نظام و اصل اسلام ایجاد کند؟

دوم اینکه روحانیت چه وظیفه‌ای در فرایند جبران کاستی‌ها بر عهده دارد؟ زیرا - به هر حال - وظیفه روحانیت توجه به روش انبیا (یعنی انذار) است. اگر به این وظیفه عمل نکنند در قیامت به آنان گفته می‌شود که چرا شما با «سکوت و حمایت خود از بعضی از اشخاص، کمک کردید که این شرایط پیش آید و حالا باید مجازات شوید» (همان).

البته ایشان همه مردم ایران را موظف به مشارکت در موضوع جمعیت می‌دانند و «تبلیغ همفکران» و «نقد مخالفان» در موضوع افزایش جمعیت را وظیفه عموم مردم می‌شمارد و نه صرفاً وظیفه روحانیت و فرهیختگان جامعه (همان)؛ اما با این‌همه محور این کار فرهنگی را وظیفه روحانیت و حوزه علمیه می‌داند. از این‌رو ایشان در تبیین نقش همه کنشگران دلسوز در عرصه جمعیت، به‌ویژه روحانیت برای جبران کاستی‌های گذشته به سه نقش مهم اشاره می‌کند:

### ۱-۵-۳. انجام فعالیت‌های فرهنگی و علمی

از نظر علامه مصباح یزدی، اساسی‌ترین نقش روحانیت در فرایند جبران کاستی‌های گذشته در عرصه جمعیت، کار علمی، فعالیت‌های فرهنگی و اسلامی، پژوهش و آموزش است. از نظر ایشان کنشگری روحانیت در عرصه علمی و فرهنگی دو ویژگی دارد: یکم اینکه متناسب با شأن روحانی بودن است؛ و دوم آنکه انتظار جامعه از روحانیت - که باید در برابر آن پاسخگو باشد - همین است.

به باور ایشان، اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم هیچ نهاد دیگری به‌اندازه حوزه و روحانیت توان این کار را ندارد. از این‌رو بر روحانیت لازم است تا با ابزارها، روش‌ها و منابع علمی و فرهنگی و نیز آشنایی با شگردهای دشمن در این عرصه و موضع‌گیری مناسب در مقابل آنها اقدام کند (همان).

### ۲-۵-۳. معرفی آثار علمی و نتایج آن به دیگران

از نظر ایشان دومین فعالیتی که باید در جبران کاستی‌های گذشته انجام داد معرفی آثار علمی و نتایج آن به عموم مردم است. این کار - در حقیقت - ادامه همان کار علمی و فرهنگی به‌شمار می‌آید. این بدان معناست که روحانیت در عرصه کار تبلیغی، باید از موضع ضعف خارج شود و صرفاً به کارهای تحقیقاتی بسنده نکند، بلکه علاوه بر انجام کار علمی و تحقیقی، بکوشد تا نتایج آن را نشر داده، به اطلاع عموم مردم برساند.

در این مسیر لازم است تا از همه روش‌هایی که مشروعیت و مطلوبیت عقلانی دارد و همه‌جا متداول است، استفاده کنند؛ مانند برگزاری نشست‌ها، استفاده از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ها، و دیگر روش‌های مشروعی که دیگران برای معرفی کارهای خود از آنها استفاده می‌کنند (همان).

از نظر ایشان در دنیایی که همه برای ساده‌ترین و گاه کم‌ارزش‌ترین کارها، به تبلیغ گسترده می‌پردازند، چرا ما برای کاری که مهم‌ترین عامل در بقای اسلام و نظام است و مقام معظم رهبری بارها بر آن تأکید کرده، هیچ برنامه تبلیغی نداشته باشیم؟! (همان)

ایشان در این زمینه، بر ارائه تحلیل‌های علمی و مستند و بیان پیشنهادها و روش‌هایی برای توسعه این کار، حتی با استفاده از منابع علمی خارجی تأکید می‌کند. از نظر ایشان در بین جمعیت‌شناسان دنیا، کسانی هستند که دیدگاه‌های علمی درخصوص افزایش جمعیت دارند که باید آنها را شناسایی نمود و در کنار مطالب دینی و وحیانی، به دیدگاه‌ها و تجربه‌های آنها نیز استناد کرد (همان).

### ۶-۳. لزوم همگرایی کارشناسان در بررسی ابعاد جمعیت

هر جامعه‌ای برای پایایی و پویایی خود نیازمند انسجام، وحدت و همگرایی بین نیروهای اجتماعی است. واگرایی نیروهای اجتماعی نه تنها به حل مسائل اجتماعی کمی نمی‌کند، بلکه زمینه را برای ایجاد تنش و منازعات اجتماعی فراهم می‌آورد. بر پایه همین اصل راهبردی است که علامه مصباح یزدی بر این باور است آنچه کشران اجتماعی را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌رساند، همگرایی و تمرکز بر فهم اولویت‌ها در جامعه است. از این رو اگر این همه نیروهای فعال، دلسوز و بااخلاص بخواهند در کارهای مختلف پراکنده شوند، چندان امیدی برای رسیدن به هدف نمی‌توان داشت. بنابراین نیروهای اجتماعی باید تلاش کنند تا در بخش‌های گوناگون این مسئله (مانند عرصه‌های پزشکی، اجتماعی، جمعیت و خانواده) با هم تبادل نظر کرده، به راهکاری برسند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ ب).

علامه مصباح یزدی در تحلیل همگرایی نیروهای اجتماعی در عرصه جمعیت، دو راهکار پیشنهاد می‌دهد:

### ۱-۶-۳. گردهمایی کارشناسان رشته‌های گوناگون

موضوع جمعیت، مانند بسیاری از موضوع‌های دیگر، دارای ابعاد و زوایای گوناگونی است که آن را با رشته‌های گوناگون علمی، در ارتباط قرار می‌دهد. از این رو حل چالش‌های جمعیتی در شناخت ابعاد گوناگون جمعیت و آسیب‌شناسی و رفع موانع ریشه در هر یک از آن ابعاد دارد. علامه مصباح یزدی بر همین اساس معتقد است: یکی از راهکارها برای همگرایی نیروهای اجتماعی در عرصه جمعیت این است که گروهی از متخصصان رشته‌های گوناگون گرد هم آیند و همه مسائل ذی‌ربط را بررسی کنند (همان)؛ زیرا اگر چند کارشناس از رشته‌های دیگر هم باشند، آنها نیز ممکن است نکات مثبتی را برای توجیه کار خودشان مطرح کنند (همان). ایشان معتقد است:

در این روش، فرض بر این است که مسائل در عرض هم هستند، و اگر ما صد گروه داشته باشیم، هر کدام باید در یکی از این عرصه‌ها تلاش کنند (همان).

علامه مصباح یزدی در تحلیل این راهکار، به نکته‌ای مهم - که هم جنبه اخلاق کاربردی دارد و هم پرده از رویکرد واقع‌بینانه و انسجام‌گرایی ایشان برمی‌دارد - اشاره می‌کند. از نظر ایشان کنشگران و کارشناسان عرصه‌های گوناگون مرتبط با جمعیت نباید با اتخاذ رویکردی بدبینانه به همه کسانی که در زمینه کاهش جمعیت کار کرده‌اند انگ «دشمن مردم بودن» بزنند؛ زیرا - به هر حال - خودشان هم با همین ملت زندگی می‌کنند.

گاهی ممکن است به علت اختلاف فهم و یا تقلید از یک گروه یا یک کشور خاصی دست به این اقدامات زده باشند.

این‌طور نیست که این افراد همگی دشمن کل ملت ایران باشند و بخواهند مردم را نابود کنند یا خواستار اسارت ملت ایران در برابر آمریکا باشند... ولی در میان آنها نوکران امریکا و دیگران هم هستند (همان).

از این‌رو لازم است بین گروه‌های مخالف افزایش جمعیت، تفکیک قائل شده، با هر کدام مواجهه مناسبی داشته باشند.

## ۲-۶-۳. استخراج و اولویت‌بندی علل

علامه مصباح یزدی دومین راهکار همگرایی نیروهای اجتماعی در عرصه جمعیت را جمع‌بندی و تعیین اولویت‌ها در مسئله می‌داند؛ بدین‌معنا که مجموعه مشکلات در هر بخش توسط کارشناسان مرتبط با جمعیت استخراج شود؛ «یعنی مشکلات هریک از بخش‌های دانشگاه، اقتصاد، پزشکی، اخلاق و... را جمع‌آوری و سپس اولویت‌بندی کنند» (همان). پس از اولویت‌بندی مسائل، باید به حل آنها در جهت افزایش جمعیت همت گماشت. نکته مثبت این راهکار در اندیشه علامه مصباح یزدی این است که به علت پلکانی بودن مسائل، اگر برخی از آنها حل شود، راه برای حل بعضی دیگر باز می‌شود؛ اما اگر بعکس عمل گردد، تا آخر به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم (همان).

## ۲-۷-۳. لزوم یافتن گره اصلی در تغییرات جمعیتی

خصلت پدیده‌های اجتماعی به گونه‌ای است که نمی‌توان به تبیین تک‌عاملی آنها پرداخت. تبیین‌های تک‌عاملی به تقلیل‌گرایی معرفت‌شناختی ختم می‌شوند. اما با این‌همه، تمام علل نیز در تأثیرگذاری بر پدیده از جایگاه یکسانی برخوردار نیستند. از این‌رو ممکن است علل بسیاری در شکل‌گیری یک پدیده تأثیرگذار باشند، اما برخی علت‌ها از جایگاه کانونی‌تری داشته باشند. در موضوع جمعیت نیز باید ضمن واکاوی علل، به علت اساسی و گره اصلی برای تحلیل دقیق‌تر مسئله دست یافت.

علامه مصباح یزدی با تکیه بر همین اصل، ضمن طرد رویکردهای تقلیل‌گرا در تحلیل موضوع جمعیت، به کنشگران این عرصه توصیه می‌کند که «بنشینید... اول با فکر مسائل را دسته‌بندی کنید. مسئله فقط پزشکی و جمعیت نیست. خیلی مسائل حادث داریم» (همان). از نظر ایشان:

باید نشست مسائل را دسته‌بندی کرد، درجه‌بندی کرد، اولویت‌ها را تعیین کرد. اول سعی کرد هرچه ما نیروی فعال داریم در آن مسئله مادر صرف کنیم، آن را اگر حل کنیم؛ راه برای حل دیگران باز می‌شود... اگر آن حل نشود هیچ کدام از اینها حل نمی‌شود (همان).

این بدان معناست که علامه مصباح یزدی با اتخاذ رویکردی چندبعدی در تحلیل پدیده‌ها، معتقد به وجود یک «عامل کانونی» و «گره اصلی» در مسئله جمعیت است که شناسایی و نقد و بررسی آن باید در اولویت قرار گیرد.

### ۸-۳. فرهنگ؛ گره اصلی چالش‌های جمعیتی

بی‌تردید ارزش‌ها و باورهای اجتماعی را - که به صورت کلی، تحت عنوان «فرهنگ» از آنها یاد می‌شود - می‌توان از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کنش‌های انسانی دانست؛ زیرا تا زمانی که ارزش‌های جامعه تغییر نکنند، در آن جامعه دگرگونی اجتماعی قابل توجهی رخ نخواهد داد. به همین دلیل است که «ریشه بسیاری از مسائل اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری، چه در سطوح فردی و چه در رفتار گروه‌ها، جریان‌ها و اقشار اجتماعی، ناشی از حالت عدم تعادل و سیالیت و طیف‌گونگی نظام ارزشی است» (حاضری، ۱۳۸۰). در موضوع چالش‌های جمعیتی نیز بسیاری از اندیشمندان بر فرهنگی بودن این مقوله تأکید می‌کنند (ر.ک: شرف‌الدین و چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳).

علامه مصباح یزدی در زمینه طرد تحلیل‌های تقلیل‌گرا به ارائه نمونه‌هایی از کنش‌های انسانی که قابل تحلیل با مقوله‌های اقتصادی یا پزشکی صرف نیستند، اشاره می‌کند. ایشان با بررسی میدان اجتماعی از جوانانی یاد می‌کند که اصلاً «دلشان نمی‌خواهد بچه‌دار بشوند، راحت‌ترند، می‌خواهند راحت زندگی کنند... می‌خواهند با دارو (این حرف‌ها) خودشان را خلاص می‌کنند. این‌طور نیست که همه‌اش برای مسئله قانونی و... - چه می‌دانم - غربالگری و این حرف‌ها... باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ ب).

ایشان در واکاوی چالش‌های جمعیتی، گره اصلی مسئله جمعیت را «دگرگونی فرهنگی» و ضعف محوری‌ترین عنصر آن (یعنی دینداری) می‌دانند. از نظر ایشان اینکه برخی زنان به خاطر کار و اشتغال از مسئولیت فرزندآوری و فرزندپروری شانه خالی می‌کنند و یا به پزشک پول می‌دهند تا فرزندشان را سقط کند «ریشه همه اینها فرهنگ است. ریشه‌اش بی‌دینی است کاری باید کرد که دین زنده بشود. اعتقاد به خدای معنویت، زندگی ابدی، ارزش‌های انسانی، اگر اینها بود همه چیز دیگر قابل اصلاح است» (همان).

ایشان در واکاوی فرایند دگرگونی‌های فرهنگی و ضعیف شدن ارزش‌های دینی در دهه‌های اخیر، به نقش برجسته رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی - که نوجوانان و جوانان را نسبت به دین و ارزش‌های خانوادگی بی‌علاقه کرده‌اند - اشاره می‌کند. از نظر ایشان، گره اصلی چالش‌های جمعیتی دگرگونی‌هایی است که در سبک زندگی مردم اتفاق افتاده است (همان). از این‌رو راه حل چالش‌های جمعیت را چیزی از سنخ فرهنگ می‌داند.



### ۹-۳. راهکار حل مسئله؛ تقویت ارزش‌ها و باورها

همان‌گونه که گفته شد، علامه مصباح یزدی گره اصلی چالش‌های جمعیتی را دگرگونی فرهنگی و ضعف ارزش‌های دینی در جامعه می‌داند. این بدان معناست که چالش اصلی جمعیت از سنخ فرهنگ است. از این رو مسیر حل آن نیز باید فرهنگی باشد. بر این اساس، اعتقاد ایشان بر این است که باید دینداری مردم و جوانان تقویت شود. در این مسیر باید از زبان هنر و بازی و نمایش استفاده کرد (همان). البته پیش شرط تقویت دینداری این است که «اول خودمان فکرمان را عوض کنیم؛ بفهمیم ریشه همه این مسائل باورها و ارزش‌هاست؛ یعنی دین» (همان)؛ زیرا تا سنخ گره اصلی درک و باور نشود، مسیر حل آن را هم طی نخواهد شد.

### ۴. صورت‌بندی تبیین‌های اجتماعی جمعیتی علامه مصباح یزدی

مراد از «صورت‌بندی» سازوکاری شکلی است که براساس آن درک نظام‌مند پیچیدگی‌های واقعیات اجتماعی میسر می‌گردد و کشف، اثبات، فهم یا نقد گزاره‌های علم، ممکن یا تسهیل می‌شود. «ساختار»، «الگو» و «فرایند» مهم‌ترین مفاهیم اصطلاحی این سازه مفهومی‌اند (کوهن، ۱۳۶۹، ص ۵۲). در این بخش صورت‌بندی منظمی از اندیشه جمعیتی علامه مصباح یزدی ارائه می‌گردد:

علامه مصباح یزدی با معرفی تغییرات فرهنگی به‌مثابه ریشه دگرگونی‌های جمعیتی، به نوعی موضوع جمعیت را امری فرهنگی می‌داند. بی‌تردید، فرهنگ سازهای ساخت‌یافته از عناصر و مؤلفه‌های گوناگون است. اما همه اجزای فرهنگ به لحاظ ارزشمندی و تأثیرگذاری بر عناصر و مجموعه‌های دیگر یکسان نیستند. از نظر ایشان، دین محوری‌ترین عنصر فرهنگ است. این ساختار مهم و تأثیرگذار از طریق گسترش نظام معنایی و ارزشی خود، بر دگرگونی‌های جمعیتی تأثیر می‌گذارد؛ بدین معنا که اگر در جامعه‌ای ارزش‌های دینی اشاعه یابند و تقویت شوند هنجارهای سازگار با فرزندآوری نیز تقویت می‌شوند. از نظر ایشان، اسلام به‌مثابه کانونی‌ترین عنصر در فرهنگ ایرانی، هوادار افزایش جمعیت است. از این رو هرچه ارزش‌های اسلامی و دینداری در جامعه تقویت شود، گرایش به فرزندآوری هم بیشتر می‌شود.

تا اینجا بخش ایجابی اندیشه جمعیتی علامه مصباح یزدی بیان شد. اما بخش دیگر تحلیل ایشان آسیب‌شناسی وضعیت کنونی جمعیت و باروری در جامعه ایرانی است. ایشان در تحلیل موضوع «کاهش باروری» و ناکامی کشور در افزایش میزان باروری به دو آسیب مهم اشاره می‌کند:

نخست. توطئه دشمنان است که البته در این میان از طرف دوستان انقلاب اسلامی ناخواسته برای اجرایی شدن نقشه‌های دشمن، فرصت‌هایی ایجاد شد.

دوم. مسئله فرهنگ راحت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی است. درحقیقت آسیب دوم - که از نظر ایشان مهم‌ترین آسیب هم هست - از سنخ امر فرهنگی است. علامه مصباح یزدی در بخش ایجابی اندیشه جمعیتی خویش نیز به

فرهنگ، به مثابه محور تغییرات مثبت در مسئله جمعیت می‌نگرد. ایشان گره اصلی مسئله جمعیت را «دگرگونی فرهنگی» و ضعف محوری‌ترین عنصر آن (یعنی دینداری) می‌داند. از این رو در واکاوی فرایند دگرگونی‌های فرهنگی و ضعیف شدن ارزش‌های دینی به نقش برجسته رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کند.

بدین‌روى راه‌حل چالش‌های جمعیت را چیزی از سنخ فرهنگ می‌داند. در این میان بر نقش «تقویت ارزش‌ها و باورهای دینی» به مثابه اساسی‌ترین راه‌حل فرهنگی مسئله جمعیت تأکید می‌کند. اما به‌هر روی افزون بر تلاش برای تقویت دینداری جامعه به مثابه یک فعالیت فرهنگی شالوده‌ای نباید از ساخت‌های فرهنگی پشتیبان نیز غفلت کرد. از این رو ایشان دو راهکار مهم فرهنگی را در این زمینه ضروری می‌داند:

راهکار نخست تلاش برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، تبلیغی و علمی در عرصه جمعیت است. هر چند ایشان همه مردم را به مشارکت در موضوع تبلیغ و کار فرهنگی در عرصه جمعیت موظف و مسئول می‌داند، اما عمده‌گرانباری این نقش را برعهده حوزه‌های علمیه و روحانیت می‌داند. از نظر ایشان اساسی‌ترین نقش روحانیت در فرایند جبران کاستی‌های گذشته در عرصه جمعیت، همین کار فرهنگی و تبلیغی است، سپس معرفی آثار علمی و نتایج آن به مردم. در این مسیر لازم است تا از همه روش‌هایی که مشروعیت و مطلوبیت عقلانی دارد، استفاده کنند.

راهکار فرهنگی دوم برای برون‌رفت از مسئله جمعیت، انجام کارهای عمیق پژوهشی است. در این بخش، عمده‌مسئولیت را بر عهده متخصصان دانشگاهی و حوزوی در رشته‌های دانشی گوناگون می‌گذارند. از نظر ایشان همگرایی نیروهای اجتماعی در این عرصه ضرورتی انکارناپذیر است. کار این حلقه‌های علمی، جمع‌بندی و تعیین اولویت‌ها در مسئله جمعیت است؛ بدین معنا که لازم است مجموعه مشکلات در هر بخش توسط کارشناسان مرتبط با جمعیت در بخش‌های اقتصاد، پزشکی، اخلاق، جامعه‌شناسی و مانند آن جمع‌آوری و سپس اولویت‌بندی شوند. پس از اولویت‌بندی مسائل، باید به حل آنها با هدف افزایش جمعیت همت گماشته شود. ایشان معتقد است: به علت پلکانی بودن مسائل، اگر برخی از آنها حل شود، راه برای حل بعضی دیگر باز می‌شود؛ اما اگر بعکس عمل شود تا آخر هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.

### نتیجه‌گیری

پرسش اساسی مطرح در این پژوهش درباره تبیین‌های اجتماعی - فرهنگی جمعیت در اندیشه علامه مصباح یزدی بود. یافته‌ها بر این دلالت دارند که از نظر ایشان اسلام مدافع افزایش جمعیت است. اما این حکم براساس شرایط اجتماعی قابل تغییر است. موضوع جمعیت نیز از منظر ایشان، موضوعی چندبعدی است که همگرایی کارشناسان علوم گوناگون برای تحلیل درست و دقیق آن ضروری است.

ایشان علت عمده وضعیت چالش‌برانگیز جمعیت در ایران را سه چیز معرفی می‌کند: توطئه دشمنان، خطاهای دولت‌ها، و اشتباهات برخی روحانیان. از نظر ایشان گره اصلی چالش جمعیت، «فرهنگ» و «ضعف دینداری» است. از این‌رو برای حل چالش جمعیت باید به دگرگونی فرهنگی و تقویت دینداری پرداخت. این تحلیل هماهنگ با تحلیل‌هایی است که امروزه بسیاری از جمعیت‌شناسان آن را مطرح می‌کنند. مقوله جمعیت بیش از آنکه مقوله‌ای مردم‌شناختی باشد، مقوله‌ای فرهنگی است. از این‌رو اگر حاکمیت و دلسوزان کشور به دنبال حل چالش جمعیتی هستند، مسیر آن از جاده فرهنگ می‌گذرد.

مسائل اقتصادی بی‌شک در دگرگونی‌های جمعیتی تأثیرگذارند. اما تأثیر بنیادین، نه از آن اقتصاد، بلکه از سوی فرهنگ است. در این میان آنچه باید وجهه همت مسئولان قرار گیرد تلاش برای ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی است. در این سبک از زندگی، باورها، ارزش‌ها و هنجارها به گونه‌ای تجلی می‌یابند که تقویت‌کننده فرزندآوری و فرزندپروری و افزایش جمعیت خواهند بود.



## منابع

- آشفته تهرانی، امیر، ۱۳۸۱، *جمعیت‌شناسی و تحلیل جستارهای جمعیتی*، تهران، گستره.
- حاضری، علی‌محمد، ۱۳۸۰، «مسائل اجتماعی متأثر از تعارض ارزش‌ها در دوران گذار»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۵۳-۴۱.
- خرازی، سیدمحسن، ۱۳۷۹، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»، *فقه اهل‌بیت*، ش ۲۱، ص ۴۱-۶۹.
- سرابی، حسن، ۱۳۶۸، «موضوع و منزلت علمی جمعیت‌شناسی»، *رشد آموزش علوم اجتماعی*، ش ۲، ص ۲۶-۳۱.
- شرف‌الدین، سیدحسین و اسماعیل چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳، «نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۲۱، ص ۵۱-۷۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۸۷، *الکافی*، به اهتمام محمدحسین درایتی، قم، دارالحدیث.
- کوهن، تامس، ۱۳۶۹، *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش.
- کون، بروس، ۱۳۷۵، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن صیوری، تهران، توتیا.
- لیتل، دانیل، ۱۳۸۱، *تیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع*، ترجمه عبدالکریم سروش، چ دوم، تهران، طلوع آزادی.
- مشفق، محمود و همکاران، ۱۳۹۱، *انتقال جمعیت در ایران: تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، «بیانات در همایش تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات»، در: [mesbahyazdi.ir](http://mesbahyazdi.ir)
- \_\_\_\_، ۱۳۹۶، «شما را نیافریدند که هر کاری خواستید بکنید (گفت‌وگو)»، *فرهنگ بويا*، ش ۳۶، ص ۳۹-۴۵.
- \_\_\_\_، ۱۳۹۷الف، «بیانات در دیدار اعضای کارگروه جمعیت»، در: [mesbahyazdi.ir](http://mesbahyazdi.ir)
- \_\_\_\_، ۱۳۹۷ب، «بیانات در دیدار با جمعی از پزشکان و کارشناسان عرصه جمعیت و سلامت»، در: [mesbahyazdi.ir](http://mesbahyazdi.ir)
- میرزایی، خلیل، ۱۳۹۳، *فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی*، تهران، فوژان.
- هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۸۴، «تمدن اسلام و چین؛ دو چالش پیش‌روی تمدن غرب (گفت‌وگو)»، *سیاحت غرب*، سال سوم، ش ۳۲، ص ۵-۱۰.